



زرین کوب و مولانا

بررسی مقاله‌های استاد زرین کوب درباره مولانا

دکتر مصطفی گرجی*



مقدمه

بدون تردید یکی از بزرگ‌ترین مولوی‌شناسان و مثنوی‌پژوهان سده اخیر در ایران و بلکه جهان، در کنار مرحوم فروزانفر و استاد همایی؛ دکتر **عبدالحسین زرین کوب** است که کتاب «سرّ نی» او - محصول اقامت ایشان در پاریس - همان قدر زنده است و خواهد بود که نی‌نام ه مولانا و «بحر در کوزه» او در حوزه تحقیقات مولوی‌شناسی به همان میزان جاودان است که مثنوی مولانا. البته در طول تاریخ در توصیف مولانا و بررسی احوال و گفتار او محققان و دانش‌پژوهان فراوانی در طول تاریخ قلم زده‌اند و به شرح و تفسیر نامه معنوی او در قالب «بانگ‌نای» دست یازیدند و دریافت خویش را در «لب لباب» ریختند و اسرار آن را در «جواهرالاسرار» سرشتند و محققانی چون ریتر، فروزانفر، گلپینارلی و افضل اقبال در کتاب‌هایی چون «زندگی‌نامه جلال‌الدین محمد» و شیمل در «من بادم و تو آتش» و عبدالحکیم در «عرفان مولوی» درباره این اندیشمند بشری سخن گفته‌اند؛ زرین کوب نیز؛ «بحر» عظیم معانی و کلام او را «در کوزه» ریخت و حیات او را از «پله پله» تا «ملاقات خدا» نشان داد و اسرار ناگفته مولانا را در «سرّ نی» ترسیم کرد و تأثر و ارادت

(زرین کوب، دفتر ایام)

مرحبا ای مایه الهام روح
ای تو خوش‌تر از شکر در کام روح
مرحبا ای قصه‌گوی قصه‌نوش
ای تو خود هم باده هم باده‌فروش
از نی خود آتش اندر من زدی
نک درون پرده رفتی تن زدی
من که یاران را صلایی می‌زنم
از دم توست ار نوایی می‌زنم
شاد باش ای شمس انوار هدی
مطلع انوار اسرار خدا
چون ضیاء جان ما از روی توست
دیدة جان را همه دل سوی توست
سرّ نی خود کشف سر اولیاست
ترجمان سرّ مردان خداست
گفتم اینک سرّ نی را بی زبان
تا که گردد سرّ وی را ترجمان

درباره مولوی و جریان مولاناپژوهی در واحد مقاله حدود ۷۰۰ مقاله تا ۱۳۸۰
نوشته شده است که به جرأت می‌توان گفت ردّ پای تحقیقات استاد زرین‌کوب
در درصد کثیری از این مقالات به صورت ارجاع به آثار ایشان
دیده می‌شود

خویش را در شعر «با مولانای روم» در بیش از دویست و پنجاه بیت
ابراز و کیفیت بر رفتن از نردبان آسمان او را پس از شکسته شدن در
«نردبان شکسته» تبیین کرد. به قول استاد دکتر سیروس شمیسا:

کس بدین منوال پیش از تو چنین نثری نسفت
بادسیری خاک پیما خشک‌سوزی آبدار
بحر در کوزه که یارد کرد جز انگشت تو
کاروان حله آوردن به میدان چند بار
نامه نی بود اما رازدانی نی چو تو
نی بسی نالید تا هوشی توائش شد گوشوار

(درخت معرفت)

اما مولانا که بود که زرین‌کوب گرم او شد^۲ و رشته مثنوی را بر
گردن ایشان بست.^۳ او یکی از شخصیت‌های جهانی است که نقشی
فراوان در احیا و غنای فرهنگ این دیار و حتی فرهنگ بشری ایفا
کرده که به دلایل گوناگون بر تارک زبان و ادبیات فارسی و عرفان
اسلامی و بلکه ادبیات جهان نشسته است. او به باور تمام محققان
اعم از خاورشناسان و اندیشمندان اسلامی و ایرانی یکی از آباء
بی نظیر انسانیت است که دین و معرفت دینی را با امر قدسی و
تجربه دیدار با عوالم برتر درآمیخته است. در جهان امروز که به تعبیر
شیخ اشراق «شَرّ القرون» بوده و به دلیل سیطره علوم و دانش‌های
تجربی محض بر روح و کالبد انسان، عوالم راز آمیز و هیبتناک
عرفان کمرنگ شده؛ وجدان عمومی حاکم سعی کرده این خلأ
وجودی را با دیدگاه معرفت‌شناسانه و تجربه‌شهودی عارفانی چون
سلطان عاشقان و عارف بزرگی چون جلال‌الدین محمد جبران کند.
به واقع کدام شخصیت در عالم اسلام و عرفان توانسته است فراتر از
حدّ و شأن خاص قومی و بومی و بنیان‌گذاری فرهنگ پرمایه ملی و
دینی که در ایجاد و غنای فرهنگ بشری نقش برجسته ای ایفا کند،
به طوری که اندیشمندان سراسر عالم را علی‌رغم همه اختلافات و
تفاوت‌های صوری گرد هم آورد. گلیبنارلی، انقروی، شمعی، سروری
ترک؛ آنه ماری شیمل آلمانی؛ نیکلسون انگلیسی؛ بحرالعلوم و ولی
محمد اکبرآبادی هندی؛ اقبال لاهوری پاکستانی؛ جامی، حکیم
سبزواری، استاد جعفری، فروزانفر، همایی، زرین‌کوب ایرانی تنها
بخشی از آن اندیشمندانی هستند که بعد از گذشت هفت قرن از
وفات مولانا بر سر خوان او نشسته و هر کدام از ظن خویش یار او





ایشان بیش از آن که در حوزه مقاله‌نویسی شهره باشند اهمیت ایشان در تأثیر بر جریان مقاله‌نویسی درباره مولانا است

محققان مولوی‌شناس	درباره مولانا نویسی	منبع و مآخذ
هرمان اته	بزرگ‌ترین نویسنده وحدت وجودی در تمام قرون است	فرانکلین لوتیس، ص ۵۰۷
ادوارد براون	بدون تردید جلال‌الدین رومی بزرگ‌ترین شاعر صوفی است که ایران به وجود آورده است.	تاریخ ادبیات براون ج ۲، ص ۵۱۵
نیکلسون	بزرگ‌ترین شاعر عارف در ادبیات جهان و نبوغ عرفان ایرانی	ارمغان، ش ۶، ص ۱۳۴۷
آربری	مقام او به پایه‌ای است که هیچ شاعری تاکنون در ادبیات جهانی بدان نرسیده است.	ارمغان، ش ۶، ص ۱۳۴۷
نعمت‌الله حسین	فوق قرن، مکان، نسل و طبقات و بزرگ‌ترین شاعر صوفی اسلامی	ادب، ش ۴، ۱۳۵۱ (زوان فرهادی)
عبدالمطیف گجرانی	سلطان‌المشفقین، شمس‌الواعظین، حمام‌الطالبین، صلاح‌المسلمین	آینده، ص ۱۹، ۱۳۷۲
آبرگسون	بزرگ‌ترین حکمای ایران است.	بررسی‌هایی درباره مولوی، ۱۳۶۴، ص ۲۱۸
پورگشتال	یکی از عجب‌ترین بزرگ ادبیات فارسی	فرانکلین لوتیس، رومی گذشته و ...، ص ۵۷۴
کنترل ارنست	سخنگوی آزادی و تعالی است.	پیام امروز، ش ۲۲، ۱۳۷۷
پاتولزانی	هیچ یکتا از شاعران عارف سده میانه ایتالیا (توزا کروچه و ...) خطرات مولانا نیست.	پیام کتابخانه، ش ۱، ۱۳۷۰
موریس پارس	زندگی بزرگ‌ترین شاعر ادب جهانی (دلتا، شکستیر، هوگو و ...) با کتاب مولانا تا چیز و ناقص است.	یادنامه مولوی، ۱۳۳۷، صص ۹، ۱۰، ۱۰۴
ج. م. ویکتور	جهانی‌ترین نبوغ شاعرانه ایران.	چشمه روشن، ۱۳۷۹، صص ۱۹۹، ۲۰۸
اندرو هاروی	نه تنها بزرگ‌ترین شاعر عارف دنیا که تنها مرشد رستاخیز معنوی سپاره ماست.	هفته کتاب، ش ۵۵، ۱۳۷۸
فرانکلین لوتیس	رومی بزرگ‌ترین شاعر عرفانی نوع بشر بوده و هیچ نویسنده‌ای جز شکستیر و پارس با او قابل مقایسه نیست.	فرانکلین لوتیس، رومی گذشته و ...، ص ۸
ابن عربی	قیانوسی است به دنبال دریا (ایهاالدین ولد) روان	مناقب‌العارفین
صدورالدین قونوی	این مرد مؤید من عندالله است و از جمله مستوران قیام خیرت.	مناقب‌العارفین، ۲۲۵/۳
فخرالدین عراقی	او را کمابیش هیچکس ادراک نکرد و در عالم غیب غریب آمد و غریب بود و غریب رفت.	مناقب‌العارفین، ۳
خواجہ محمد گیسو دراز	او دیوانه‌ای است نامعلوم، عاشقی نامفهوم که جز تخم فطال و نهال وصال نیکشت.	وحید، ش ۵، ۱۳۵۳
شجاع‌الدین شفا	هیچ شاعر ایرانی از لحاظ وسعت دامنه تأثیر خود در جهان خارج به پای مولوی نمی‌رسد.	یادنامه مولوی، ۱۳۳۷، ص ۱۰۴
فروزانفر	طایر ملکوتی است فرشته آسمانی وزیده مردان کامل روحانی است او متعلق به همه جهان بشریت است.	رساله‌ای در تحلیف، ۱۳۶۱، ص ۱۰۷
سید جعفر سجادی	حصاره همه مدنیت‌های پیش از خود و از این از مجامع و فرهنگ‌های تمدن‌های آداب ایرانی، هندی و ... است.	بررسی‌هایی درباره مولوی، ۱۳۵۴، ص ۹۹
علی شویبختی	یکی از پنج آدم بزرگ تاریخ و بخش از فرهنگ ایرانی و بزرگ‌ترین شاعر که حافظ مرید کوچک است.	شریعتی، مجموعه آثار، ج ۱۲ و ۱۶ و ۳۳
محمد خوشنویاری	بزرگ‌ترین عارف انسان‌شناس فرهنگ ایرانی	بررسی‌هایی درباره مولوی، ۱۳۶۴، ص ۱۲۷
منوچهر مرتضوی	سرچشمه عارفان عاشق و سلطان بلبلانازج ملک عرفان عالم‌دانه و مکمل عرفان آئین ایرانی است.	دانشکده ادبیات تبریز، ش ۱، ۱۳۴۴
عبدالحسین زرین کوب	اگر مولانا در عصر ما می‌زیفت شاید دو اسوت یکتا عالم‌الکافی: کاندی سلطان منادی یکتا حیات تازه برای تمام عالم می‌شد.	نودبان اسفان

جایگاه دکتر زرین کوب در تحقیقات ادبی

نقش دکتر زرین کوب در حوزه تحقیقات ادبی بویژه پژوهش‌های مولوی‌پژوهی و مثنوی‌شناسی از چند جهت قابل پرداخت است. از آنجایی که ارزش هر کسی به آثار وجودی اوست و از آنجایی که گفته‌اند «الناس صنفان موتی فی حیاتهموا و آخرونه فی بطن الارض احياءوا»؛ شاید بتوان گفت یکی از دلایل جاودانگی تحقیقات او و خودش، به تحقیقات او درباره مولانا مربوط می‌شود. نکته دیگر این که

گشته‌اند و همچنان در اثبات عظمت مولانا و مثنوی او می‌نویسند در حالی که آن دریای بی‌کران همچنان غواصانی را می‌طلبد تا در کرانه عمیق‌تر آن شناگری کنند. درباره اهمیت شخصیت مولانا در طول تاریخ و تصور محققان ایرانی و غیر ایرانی زیادی در طول تاریخ قلم زده‌اند که به منظور مقایسه یکی از دیدگاه‌های **استاد زرین کوب** درباره مولانا با دیدگاه دیگران، چند تصویر از مولانا از نگاه اندیشمندان جهانی عرضه می‌شود.

اگر هدف از مقاله‌نویسی تأثیرگذاری آن بر علم است و این‌که آیندگان بدان استناد کنند به راستی هیچ شخصیت مولوی‌شناسی به اندازه زرین‌کوب در جریان مقاله‌نویسی در این حوزه تأثیرگذار نبوده است

۱۳۶۵ دفتر ایام: یک مقاله؛ عنوان: شمس تبریزی و نغمه نی مولوی
۱۳۶۸ نقش بر آب: دو مقاله با عنوان:

۱. شصت و دو؛ بحثی درباره تاریخ ملاقات شمس و مولانا (۷ ص)
۲. عشق در مثنوی، بحثی در عشق در دیدگاه مولانا (۵ ص)
۳. مقالات

تذکر این نکته ضروری است که در طول جریان مقاله‌نویسی درباره مولانا در سده اخیر چهار جریان در طول تاریخ مقاله‌نویسی در ایران باعث افزایش کمیّت و کیفیت مقاله‌ها درباره مولوی شده است:
الف) همایش ۱۳۳۷ یادنامه مولانا: ۱۴ مقاله
ب) همایش‌های چهارمین و ششمین کنگره تحقیقات ایرانی، همایش مجلس مولانای بلخی و کنگره بررسی‌هایی درباره مولانا ۱۳۵۶ - ۱۳۵۲ - ۷۲ مقاله که بیشترین آن مربوط به سال ۱۳۵۴ با ۲۴ مقاله؛

ج) همایش ۱۳۷۷ بزرگداشت شمس جمعا حدود ۸۰ مقاله؛
د) همایش‌های متعدد ۱۳۸۶ در حال برگزاری؛ که شاید هیچ سالی به اندازه امسال در جریان تولید مقاله درباره مولوی تا این حد رشد کمی نداشته است. از زرین‌کوب حدود ۱۰۰ مقاله در موضوعات مختلف در مجلات مختلف چاپ شده که برخی مجدداً در کتاب نیز تکرار شده است. علاوه بر ۵ مقاله درباره مولانا که در کتاب چاپ شده (در بالا آمده) مقالات دیگر او به قرار ذیل است که مقاله ۱ - ۲ - ۵ بعدها در کتاب نیز چاپ شد.

۱. سوانح مولوی رومی، سخن ۱۳۳۳.
۲. کلیات شمس، سخن ۱۳۳۸.
۳. تا ملاقات خدا، خراسان، ۱۳۷۲/۱/۲۹.
۴. از قصه‌های مثنوی، نامه شهیدی، اول، ۱۳۷۴.
۵. مثنوی معنوی: شریعت و طریقت، کلک، ش ۷۰ - ۶۸ - ۱۳۷۴.
۴. نقدهای دیگران از آثار زرین‌کوب در قالب مقاله:
۱۳۶۵، شهرام شاهرختاش، سرّ نی، کیهان، ۱۳۶۵/۶/۱۰؛
۱۳۷۳، علی اصغر محمدخانی، شرح درداشتیاق، ادبستان، ش ۵۴؛
۱۳۷۷، رضا روحانی، از نی‌نامه - زرین‌کوب و قمر آریان: از نی‌نامه گزیده مثنوی، ایران‌شناخت، ش ۳۱؛
و ...

در مجموع باید گفت درباره مولوی و جریان مولانا‌پژوهی در واحد مقاله حدود ۷۰۰ مقاله تا ۱۳۸۰ نوشته شده است که به جرأت می‌توان

اگر درباره شخصیتی چون ویتگنشتاین گفته‌اند که فلسفه واقعا مشغله ذهنی او بود نه شغل و درآمدزایی او؛ درباره زرین‌کوب باید گفت با آنچه می‌گفت و می‌نوشت، می‌زیست که کتاب «صدای بال سیمرغ» او گواه همین امر است. لذا زیستن انسان با دنیایی که از آن سخن می‌گوید و اعتقاد دارد شرط اساسی موفقیت محقق نیز هم تواند بود. نکته سوم این‌که اگر سخن مولانا را بپذیریم که گفت «سخن آدمی بوی آدمی است چرا که از بوی نفس هر آدمی نفس او را توان معلوم کردن که از قرآن بوی خدا آید و از حدیث بوی مصطفی آید و از کلام ما بوی ما آید.» همچنان‌که سخنان مولوی رنگ و بوی خاصی دارد تحقیقات زرین‌کوب هم به طور عام و پژوهش‌های درباره مولانای او هم به طور اخص؛ رنگ و بوی خاصی دارد که به دلیل تعمق و ژرف‌بینی خاص او از تحقیقات دیگران جدا شده است. تا حدی که بتوان در عرصه سبک‌شناسی سبک ویژه استاد زرین‌کوب را بر آن اطلاق کرد. نکته پایانی این‌که استاد در تحقیقات خود درباره مولانا به طور اخص به نکات تاریک و مبهم مثنوی توجه کرده که در مواردی هیچ کس بدان توجه نکرده است به عنوان مثال، مآخذ حکایات و کشف دلایل آمدن آن داستان در مثنوی که حتی مرحوم فروزانفر هم بدان اشاره نکرده است. نگارنده تا آنجایی که جست‌وجو کرده در عرصه تحقیقات پیرامون مولانا بی‌نظیر است که نمونه‌ای از این موارد را در پایان بدان اشاره خواهیم کرد. (داستان ذیل حکایت «بود یادم آمد قصه اهل صبا/ کز دم احقق صباشان شد وبا» ر.ک. بحر در کوزه)
اما مجموعه آثار زرین‌کوب درباره مولانا به قرار ذیل است:

۱. تألیف کتاب به ترتیب تاریخی:

- سرّ نی، محصول اقامت دوساله در پاریس و چاپ در ۱۳۶۴؛
بحر در کوزه، در ۱۳۶۷؛
پله‌پله تا ملاقات خدا، در ۱۳۷۰؛
نردبان شکسته، در ۱۳۸۲؛
از نی‌نامه (گزیده مثنوی)

۲. تألیف جستارهایی در یک مجموعه چند موضوعی:

- ۱۳۴۳ با کاروان حله: یک مقاله عنوان: جلال‌الدین مولوی (ملای روم)
۱۳۵۷ جست‌وجو در تصوف: یک مقاله عنوان: دنیای مولانا





دکتر زرین کوب:

باری قصه کنیزک و پادشاه را از دیدگاه احوال روانی و سیر تمنیات نفسانی نیز تفسیرهای تازه می‌توان کرد. هر چند برخی از این تفسیرها شاید برای خواننده عصر ما قابل درک هم باشد همواره با معنی مقصود گوینده مثنوی توافق تام و قطعی ندارد و بسا که آن‌گونه توجیه یک لحظه هم به خاطر گوینده مثنوی نگذشته باشد

منسجم و کنترل شده و با هدف جست‌وجوی حقیقت منطبق با واقعیت یک یا چند فرضیه را درباره **یک موضوع** بررسی و تحلیل می‌کند و از مقام گردآوری به مقام داوری در می‌آورد. ویژگی دیگر آن، این‌که غالباً روزآمد، و جدید بوده و در یکی از نشریات علمی و رسمی عرضه و چاپ شود.

مهم‌ترین ویژگی‌های مقاله مورد تایید ISI:

۱. عنوان دقیق و مناسب با موضوع
۲. مقدمه جامع و کامل که دو وظیفه جلب توجه و هدایت خواننده به اصل موضوع را دنبال کند.
۳. نگارش منسجم مطالب و دقت در نوشتن
۴. بدیع بودن موضوع و یا تازگی در نحوه ورود به بحث
۵. روشن بودن هدف مقاله و جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از اصول معین در سؤالات و فرضیات
۶. منطقی بودن ساختار مقاله و ارائه منظم مطالب و تبعیت از یک طرح عقلانی
۷. متن و قلم تابع نویسنده است
۸. همخوانی نتایج و یافته‌های مقاله با تجزیه و تحلیل داده
۹. پرداختن به مسائل مهم و ضروری و معضلی از معضلات

پژوهشی و علمی

۱۰. در نظر گرفتن مخاطب مقاله قبل از نوشتن (عام - خاص) که با توجه به بندهای یادشده علی‌الخصوص بند ۳ و ۶؛ باید گفت عمده مقاله‌های زرین کوب نمی‌تواند مقاله در معنی خاص آن باشد. اما تأثیرگذاری او در ادوار بعد مسئله‌ای دیگر است که در تولید و نشر مقالات بسیار تأثیرگذار بوده است. در بررسی تحقیقات استاد زرین کوب درباره مولانا باید دو نکته را از هم متمایز ساخت: نکته نخست بررسی مجموعه مقالات و تحقیقات او در واحد مقاله (۱۰ مقاله) است و مسئله دوم تأثیرات او در تولید مقاله‌های پیرامون مولوی به صورت مستقیم و غیرمستقیم است که به یک مورد نوع اخیر در پایان بدان اشاره می‌شود. به عبارت دیگر ایشان بیش از آن‌که در حوزه مقاله‌نویسی (مقاله به معنای خاص با توجه به روش‌شناسی کار) شهره باشند **اهمیت ایشان در تأثیر بر جریان مقاله‌نویسی درباره مولانا** است. به عبارت دیگر اگر هدف از مقاله‌نویسی تأثیرگذاری آن بر علم است و این‌که آیندگان بدان استناد کنند به راستی هیچ شخصیت مولوی‌شناسی به اندازه زرین کوب در جریان مقاله‌نویسی

گفت رد پای تحقیقات استاد زرین کوب در درصد کثیری از این مقالات به صورت ارجاع به آثار ایشان دیده می‌شود. با توجه به بند دوم و سوم مجموعه آثار دکتر زرین کوب؛ مجموعه مقالات استاد درباره مولوی ۱۰ مقاله است که این تعداد با توجه به مجموعه مقالات دکتر زرین کوب (۱۰۰ مقاله به روایت درخت معرفت) حدود ده درصد مقالات استاد را شامل می‌شود که تقسیم‌بندی آن به صورت ذیل است:

۳. مقاله نقد مقاله و کتاب

۴. مقاله درباره مولوی و جهان بینی او

۵. مقاله درباره شعر و تحلیل داستان‌ها

معرفی اجمالی مقالات بر اساس تاریخ نوشتار:

- ۱) ۱۳۳۳ نقد سوانح مولوی رومی
- ۲) ۱۳۳۶ نقد کلیات شمس فروزانفر
- ۳) ۱۳۴۳ جلال‌الدین مولوی (ملای روم)
- ۴) ۱۳۵۷ دنیای مولانا
- ۵) ۱۳۶۵ شمس و نغمه نی مولانا
- ۶) ۱۳۶۸ شصت و دو
- ۷) ۱۳۶۸ عشق در مثنوی
- ۸) ۱۳۷۲ تا ملاقات خدا
- ۹) ۱۳۷۴ از قصه‌های مثنوی
- ۱۰) ۱۳۷۴ مثنوی شریعت و طریقت و حقیقت

اهمیت مقاله به نسبت سایر واحدهای تحقیقاتی:

ماکس وبر می‌گوید کار مهم را یک متخصص انجام می‌دهد که با تمام وجود کار می‌کند و خود را در خدمت یک موضوع و آن هم فقط یک موضوع قرار می‌دهد به همین جهت به هوجی گرایان می‌گوید به خیابان بروید و برای عوام سخن گویند. این برداشت از سخن با توجه به تعریف مقاله بسیار سازگار است. در تعریف مقاله گفته‌اند: «مقاله نوشته‌ای مسئله‌مند، جهت‌دار، هدف‌مند و مشخص و اغلب کوتاه است که هدف پدیدآورنده آن نقد و شکافتن یکی از معضلات و مسائل در حوزه علم، معرفت، اجتماع، ادب و... است که محقق مسئله‌ای را با تحقیق و فرضیه، تجربه و آزمون و مشاهده اثبات یا ابطال می‌نماید». به عبارت دیگر مقاله، پژوهشی علمی است که با مطالعه نظام‌مند،

دکتر زرین کوب:

اگر مولانا در عصر ما می‌زیست شاید در کسوت یک ماهاتما گاندی؛ گاندی مسلمان
منادی یک حیات تازه برای تمام عالم می‌شد

در این حوزه تأثیرگذار نبوده است. اگر درباره‌ی شاخصه انسانی بیشترین تعداد مقاله‌ها در طول تاریخ مربوط به ۲۹ مقاله است؛ اما با توجه به برخی مسائل جریان‌ساز در تولید مقالات درباره مولانا نبوده‌اند اگرچه تأثیرگذار بوده‌اند. اما دکتر زرین کوب باعث پیدایش جریان شده که تحقیقات در حوزه مولانا در واحد کتاب و مقاله و رساله بیشترین تأثیر را به نسبت سایر افراد داشته‌اند به گونه‌ای که کمتر مقاله، کتاب و رساله‌ای وجود دارد که در منابع آن از جستارهای زرین کوب استفاده نکرده باشد.

ویژگی مقاله‌های دکتر زرین کوب در واحد مقاله به نسبت کتاب و رساله:

نوشتار دکتر زرین کوب در واحد مقاله به گواه آثار او دارای ویژگی‌های ذیل است که چهار نکته آن روشی و دو نکته آن محتوایی است. نخست آنکه فاقد ابهام، ابهام و غموض، زوائد و پریشانی و پراکندگی است و هر چه می‌آید یا در جهت ابضاح مدعا و یا تقویت دلیل است. به باور خود ایشان در کتاب یادداشت‌ها و اندیشه‌ها؛ اهمیت کار محقق در این نیست که بداند در تحقیقات خود چه چیزی را باید بیاورد بلکه باید بداند چه چیزی را نباید بیاورد و خود استاد عامل این نکته بوده است. دیگر این که سخن او دارای استدلال و با شواهد لازم است و باور به کار خود دارد و عموماً دارای نکته تازه است.

معرفی کامل مجموعه مقالات دکتر زرین کوب درباره مولانا:

۱. ۱۳۳۳ نقد سوانح مولوی رومی، شبلی، ترجمه فخر داعی گیلانی، سخن.
۲. ۱۳۳۶ نقد کلیات شمس فروزانفر، سخن، ش ۸، بعد در کتاب نقش بر آب ۱۳۶۸.
۳. ۱۳۴۳ جلال‌الدین مولوی (ملای روم)، با کاروان حله.
۴. ۱۳۵۷ دنیای مولانا، جست‌وجو در تصوف.
۵. ۱۳۶۵ شمس و نغمه نی مولانا، دفتر ایام.
۶. ۱۳۶۸ شصت و دو، نقش بر آب (چاپ و ولی نگارش در ۱۳۴۴).
۷. ۱۳۶۸ عشق در مثنوی، نقش بر آب، (چاپ و ولی نگارش در ۱۳۶۲)

۸. ۱۳۷۲ تا ملاقات خدا، خراسان.
 ۹. ۱۳۷۴ از قصه‌های مثنوی، نامه شهیدی، این مقاله بعدها در نشریه انتخاب (۱۳۷۹/۷/۷) چاپ شد.
 ۱۰. ۱۳۷۴ مثنوی شریعت و طریقت و حقیقت، کلک، بعد در کتاب حکایت همچنان باقی، ۱۳۷۶.
- در این بخش به منظور آشنایی محققان و دانش پژوهان درباره نوع تحقیقات دکتر زرین کوب از میان مقالات دهگانه ایشان چند مقاله (۶- ۷- ۹- ۱۰) با تفصیل بیشتری معرفی می‌شود:

مقاله ششم: ۱۳۶۸ شصت و دو

- مقاله تک‌موضوعی که هفت صفحه دارد.
- عنوان مقاله براءت استهلال به محتوا دارد.
- استدلالی و استنادی در ردّ مقاله گلپینارلی با استدلال محکم و قراین تاریخی است.
- فاقد ارجاع به جز دو بیت از دیوان شمس و طرح دو سؤال





- استفاده فراوان از قیود شک و تردید،

مقاله هفتم: ۱۳۶۸ عشق در مثنوی

- مقاله تک‌موضوعی که دارای نکته تازه است و هیچ مقاله بدان اشاره نکرده است.

- شش صفحه دارد.

- روش تحقیق آن تاریخی و استنادی است.

- طرح اصلی آن بررسی داستان مربوط به پادشاه و کنیزک و تفاوت انواع عشق است.

مقاله نهم: ۱۳۷۴ از قصه‌های مثنوی

- طرح آن مقایسه تطبیقی برخی از قصه‌های مثنوی با ادبیات عامه غربی است که قبلاً در آثار فروزانفر و نیکلسون به آن اشاره نشده است.

- مقاله تطبیقی و تحلیلی است که دارای یک بخش اصلی و ۸ صفحه است. شیوه بیان مقاله استدلالی و استنادی است و روش نقل مستندات، غیرمستقیم، موجز است.

- زبان و نثر مقاله، ارجاعی، دقیق بوده و روش تحقیق آن استشهادی و علمی است.

- اصول کتابنامه‌نویسی رعایت نشده، ضمن این که ارجاعات داخل متن یکدست نیست.

- یکی از ویژگی‌های نثر مؤلف، حفظ انسجام و ارتباط منطقی اجزاء متن است به گونه‌ای که ضمن حفظ وحدت موضوعی و قوت استدلال و استنتاج درست و تسلط کامل بر ادبیات جهانی، در کمترین صفحات ممکن و با نهایت ایجاز (حتی یک ارجاع مستقیم وجود ندارد) بیشترین مطلب را بیان داشته است.

مقاله دهم: ۱۳۷۴ مثنوی شریعت و طریقت و

حقیقت

- طرح مقاله تحلیلی و انتقادی است که دارای ۵ بخش اصلی و ۸ صفحه

- طرح اصلی مقاله، پاسخ به یک انتقاد و سوال مقدر (آیا مولوی ضد شریعت است)

- شیوه بیان مقاله استنادی و انتقادی است، کیفیت نقل مستندات مستقیم، موجز، روش تحقیق، استشهادی و علمی است.

- زبان مقاله ارجاعی و در مواردی به دلیل بهره‌گیری از تعابیر مثنوی در متن مقاله، شاعرانه و عاطفی.

- یکی از ویژگی‌های سبکی مقاله استفاده از جملات طولانی و معترضه‌ای و استفاده از قیود و عباراتی است که نشانه تأکید و یا ردّ اقوال مختلف است: «به احتمال قوی، البته، لامحاله».

- کل مقاله دارای ۸ صفحه که هرچه از آغاز مقاله به صفحات آخر می‌رسد جملات کوتاه‌تر و بیشتر می‌گردد.

- مطالب منقول از آراء و آثار دیگران («جهنم سوزان» فدیکور مایور) در مواردی چند، به دلیل اتکا به حافظه فاقد منبع است. ضمن این که در پایان مقاله قواعد کتابنامه‌نویسی رعایت نشده است.

تحلیل تطبیقی و مقایسه‌ای مقالات دهگانه:

- استناد به سخن مولانا در تألیف مقالات به نسبت سایر مقالات او درباره دیگر شخصیت‌ها فراوان است. (مقاله ۷)

- عدم ذکر مرجع و مأخذ مستندات و فاقد ارجاع به متون دیگر (۳-۷)

- مقالات او برخلاف مقالات استاندارد عمدتاً چند موضوعی هستند (۳-۸)

- مقالات مندرج در کتاب طولانی‌ترند (۳-۴) و مقالات مندرج در مجله کوتاه (۲-۶-۱۰)

- در مقاله‌های مربوط به شعر مولوی (۷-۹-۱۰) غالباً تاریخی و تحلیلی با بهره‌گیری از سروده‌های مولانا که این قضیه به نسبت سایر مقالات (که حدود ۱۰۰ مورد است) بیشتر است.

- مقاله‌های مربوط به شخص مولانا و جهان بینی (۳-۴-۵-۶-۸) غالباً توصیفی و بعد تحلیلی است.

- در مقاله‌های مربوط به نقد کتاب و مقاله‌ها (۱-۲) توصیفی است.

- روش تحقیق زرین کوب در مقالات درباره شعر مولانا، (۷-۹-۱۰) استشهادی و توصیفی و درباره خود مولانا (۳-۴-۵-۶-۸)؛ تاریخی و مقایسه‌ای و در حوزه نقد کتاب و مقالات (۱-۲)، توصیفی است.

- بررسی و نقد تحقیقات گذشته (۶) و نقد تحقیقات دیگران (۱-۲)

- مقایسه مولانا با اندیشمندان ملل دیگر (۳)

- استفاده از سؤالات انکاری و ایجابی (۳-۶)

- استفاده از قیود شک و تردید و پرهیز از اظهار نظر قطعی مگر با استدلال (۳-۶)

گلیپینارلی، انقروی، شمعی، سروری ترک؛ آنه ماری شیمیل آلمانی؛ نیکلسون انگلیسی؛
بحرالعلوم و ولی محمد اکبرآبادی هندی؛ اقبال لاهوری پاکستانی؛ جامی،
حکیم سبزواری، استاد جعفری، فروزانفر، همایی و زرین کوب ایرانی تنها بخشی از
آن اندیشمندان هستند که بعد از گذشت هفت قرن از وفات مولانا بر سر
خوان او نشستند و هر کدام از ظن خویش یار او گشته‌اند و همچنان
در اثبات عظمت مولانا و مثنوی او می‌نویسند

نوشته شده است که مقاله دهم که در ۱۳۸۰ نوشته شده دقیقاً همان نکته‌ای است که زرین کوب ۱۸ سال قبل بدان اشاره کرده بود. نکته قابل تأمل درباره این نوع از تأثیر زرین کوب در جریان مقاله نویسی و تحقیقات؛ این که باید نشان دهیم تأثیر زرین کوب فقط منحصر به منابع و مآخذ مقاله‌ها و کتاب‌های آینده نبوده و در بسیاری از موارد چون نوع اخیر باید با دقت بیشتری رد پای تحقیقات او را بررسی کرد و نشان داد تا از سرقت‌ها و انتحال‌های احتمالی پیش‌گیری کرد.

معرفی اجمالی مجموعه مقاله‌های پیرامون حکایت پادشاه و کنیزک به ترتیب تاریخی و زمانی^۴

۱. (۱۳۵۵)، ؟؟؟؟، بیمار عشق، جلال‌الدین رومی پیشگام مکتب عرفان و اشراق، زیگموند فروید پژوهشگر علوم تجربی و مادی، ارمغان، ش ۶ و ۵ و ۴، س ۵۸، دوره ۴۵.
۲. (۱۳۵۶)، ؟؟؟؟، ملاحظات درباره داستان پادشاه و کنیزک و زرگر مثنوی، دانشگاه تربیت معلم، ش ۲، س ۱.
۳. (۱۳۶۹)، ؟؟؟؟، عرفان و روانشناسی مولانا در داستان پادشاه و کنیزک، صوفی، ش ۹، س ۳.
۴. (۱۳۷۱)، ؟؟؟؟، سمبولیسم در کلام مولوی و تحلیل داستان شاه و کنیزک، دانشکده علوم انسانی تربیت مدرس، ش ۸، دوره اول
۵. (۱۳۷۵)، ؟؟؟؟، نخستین داستان مثنوی از دیدگاه اخلاق پزشکی (با نگاهی گذرا بر تفسیر عرفانی دکتر عبدالحسین زرین کوب)، تماشای زندگی، ش ۶ و ۷، س ۴.
۶. (۱۳۷۶)، ؟؟؟؟، ساز راه تبلیغ در نگرش مولانا، ارم، ش ۱.
۷. (۱۳۷۶)، ؟؟؟؟، سلطان و کنیزک (مثنوی به روایت علی حاتمی)، فیلم، ش ۲۱۵، س ۱۶.
۸. (۱۳۷۸)، ؟؟؟؟، سرگذشت زن ایرانی در گذشته تاریخی (کنیزک و پدرسالار مولانا)، کیمیای سخن.
۹. (۱۳۷۹)، ؟؟؟؟، دانه معنی، زبان و ادب (دانشگاه علامه طباطبایی)، ش ۱۳
۱۰. (۱۳۸۰)، ؟؟؟؟، مردی که دفتر عقل را در مکتب عشق به یک سو نهاد، صوفی، ش ۵۲
۱۱. (۱۳۸۶)، ؟؟؟؟، تحلیل داستان پادشاه و کنیزک بر مبنای شیوه تداعی آزاد و گفت‌وگوی سقراطی (Free Association)، دانشگاه تهران، شماره بهار.

مقالات (۶-۷-۹-۱۰) از بار علمی بیشتری برخوردار است. انس و تعلق خاطر زرین کوب به مولانا (و بعد عطار) در هیچیک از مقالات او درباره حافظ و سعدی و شیخ محمود و... دیده نمی‌شود. تدوین تاریخی مقالات بین سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۷۴ است که هرچه از نخستین مقالات به پایان می‌رسیم زبان و سبک آن روان و منسجم ولی فاقد نکته‌ای تازه است و در واقع همان زرین کوب سرّ نی است.

در مجموعه مقالات پیرامون مولانا درباره شخصیت و اندیشه مولوی ۴۹ مقاله موجود است که دو مقاله مربوط به زرین کوب است (۳-۸)

تنها مقاله‌ای که زرین کوب به نقد و ردّ دیدگاه دیگران پرداخته (مقاله انتقادی) مقاله ششم است که برای نخستین بار در ۱۳۴۴ نوشته شد و در ۱۳۶۸ چاپ شد. (ردّ مقاله گلیپینارلی با استدلال محکم)

در مجموعه مقالات پیرامون مولانا در حوزه مقاله‌های ادبیات تطبیقی درباره مولوی حدود ۹۰ مقاله موجود است تا ۱۳۸۰ که یک مقاله مربوط به زرین کوب است. (۹)

مقاله‌های پیرامون مباحث اصول و کلیات عرفانی درباره مولانا حدود ۵۰ مقاله است که یک مقاله از آن زرین کوب است. (۱۰)

یکی از مهم‌ترین مقالات زرین کوب مقاله‌ای است که در سال ۱۳۶۲ نوشته و در ۱۳۶۸ چاپ شد. (۷) که در این بخش به تحلیل جایگاه زرین کوب در حوزه مقاله‌نویسی با تأکید بر مقاله حاضر می‌پردازیم:

در این بخش به منظور نشان دادن تأثیر زرین کوب در نگارش مقاله‌ها در ادوار بعد؛ فقط به مقایسه دیدگاه زرین کوب درباره نخستین داستان مثنوی با مقاله‌ای چاپ شده در این زمینه پرداخته می‌شود:

این مقاله شش صفحه دارد که روش تحقیق آن تاریخی و استنادی است. طرح اصلی آن بررسی داستان مربوط به پادشاه و کنیزک و تفاوت انواع عشق و مزیت عشق انسانی و تهذیب نفس، عشق الهی در تصوف، عشق در اولین داستان مثنوی و دلیل آمدن این داستان می‌پردازد. این مقاله دارای نکته تازه‌ای است که هیچیک از مقالات بدان اشاره نکرده‌اند. او در این مقاله زرگر را سمبل علم ظاهری و تمایل درونی مولانا و طبیب الهی را سمبل شمس تبریزی و پادشاه را سمبل مولانا می‌داند. توضیح این که درباره داستان پادشاه و کنیزک یازده مقاله به غیر از مقاله زرین کوب



مقایسه اجمالی و تطبیقی نوع تفسیر و تأویل شخصیت‌های داستان در مقاله‌های گذشته و مقاله حاضر

شماره	نوع تفسیر و نگاه به داستان	شاه	کنیز کد	عیب غیبی	خواب	پزشکان	دارو	زرگر	همراهان شاه
۱	روایت‌شناسی	عقل	عقل جزئی	تن و نفس جزئی	عقل کل	عقل کل	عقل کل	عقل کل	عقل کل
۲	عرفانی	روح	دل	پیر طریقت	عقل	عقل	روایت	نفس	عشق
۳	عرفانی	انسان کامل و پیامبر و خدا	نفس	انسان کامل	لطف‌اللهی	عقل	عقل	دینا	عقل
۴	پزشکی	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل
۵	تفسیر دینی و مذهبی	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل
۶	تفسیر نمادین	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل
۷	تفسیر و نقد جامعه‌شناختی - سیاسی	۱. انسان عارف ۲. انسان عمو و گناه در فکر پادشاهان	۱. نفس ۲. متغیلات و سرسره ۳. محفل	پیر	عقل	عقل	عقل	۱. دنیا	عقل
۸	عاشقانه بر محور عشق	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل
۹	عرفانی	مولانا	نمازات درونی مولانا	شمس تبریزی	عقل	عقل	عقل	عقل	عقل
۱۰	ترکیب روش گفت‌وگویی قرآنی و فلسفی آزاد فرویدی	من (نهاد) سبیل انسان رشد یافته (ego)	شخصیت روان ونجور (پارتو) نهاد مادر	فران (super ego) و مشاورین نهاد پدر	نحلی گناه اعمال سرکوب شده	دروانگر کتابی	دروانگران کتابی	تجربیات گذشته کنیز کد	عقل

چند برخی از این تفسیرها شاید برای خواننده عصر ما قابل درک هم باشند همواره با معنی مقصود گوینده مثنوی توافق تام و قطعی ندارد و بسا که آن گونه توجیه یک لحظه هم به خاطر گوینده مثنوی نگذاشته باشد.» (نردبان شکسته)

پی‌نوشت:

- * استادیار دانشگاه پیام نور و عضو گروه ادبیات پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۱. بخشی از مطالب فوق به صورت سخنرانی در شهر کتاب در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۱۹ در روز زرین کوب و مولانا ارائه شده است.
 ۲. به تعبیر شمس هر سخن و اعتقاد که تو را گرم نگه می‌دارد نگاه‌دار و اگر سرد رها کن
 ۳. رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست می‌کشد آنجا که خاطرخواه اوست
 ۴. نکته قابل توجه این که به دلیل رعایت اصول اخلاقی نام مولفان مقاله‌ها حذف شده است.

به نظر نگارنده نکات مندرج در مقاله دهم، مشابه نوع نگاه زرین کوب به داستان یاد شده است که در مقاله ایشان با نام «عشق در مثنوی» در کتاب نقش بر آب، (نگارش در ۱۳۶۲) آمده است. توضیح این مسئله هم خالی از لطف نیست که تشابه یاد شده از دو شکل خارج نیست. با از نوع انتحال و استفاده از مقاله دکتر زرین کوب است که در حال حاضر قرینه‌ای بر خلاف آن وجود ندارد و یا از نوع توارد است که باز هم دلیلی بر نوشتن مقاله با این رویکرد وجود ندارد. چرا که یکی از اولین شرایط لازم و صحت یک مقاله علمی این است که نویسنده بدون توجه به پیشینه تحقیق نمی‌تواند تحقیق خود را آغاز کند و مقاله حاضر مرتکب چنین خطی شده است.

نگارنده در پایان سخن به عبارتی از زرین کوب درباره نوع نگاه به داستان و قصه‌های مثنوی اشاره می‌کند و اینکه جواز تأویل قصه‌ها تا کجاست. او مثنوی را متنی کاملاً باز و قابل تأویل بر اساس مقتضیات زمان می‌داند و می‌گوید: «باری قصه کنیزک و پادشاه را از دیدگاه احوال روانی و سیر تمنیات نغسانی نیز تفسیرهای تازه می‌توان کرد. هر